

کولبری؛ زمینه‌های تکوین و تداوم آن*

امید قادرزاده^۱، سعید خانی^۲، عادل رسولی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵)

چکیده

در مناطق مرزی گردنشین، کولبری به یک سبک معیشتی و یکی از مهمترین مجاری امرار معاش تبدیل شده است. هدف پژوهش حاضر، تحلیل روایت کولبران از زمینه‌های تکوین و تداوم کولبری است. روش‌شناسی پژوهش کیفی بوده و از روش تحلیل روایت استفاده شده است. میدان مورد مطالعه، فضای کولبری در شهرستان بانه است و نمونه آماری آن کولبران هستند. به این منظور با ۱۹ نفر که حداقل ۳ سال سابقه کولبری در مرزهای بانه داشتند، مصاحبه شد. در خصوص زمینه‌ها و بسترهای تکوین و تداوم کولبری به دو تم اصلی «اقتصاد مرزی تخریب‌شده» و «ساختار نابرابر» دست یافتیم. بنا به روایت کولبران، اقتصاد سیاسی مرز با حفظ و بازتولید وضعیت پیرامونی مناطق مرزی و نابرابری ساختاری پیوند دارد؛ از این منظر، کولبری نوعی تمهید و سیاست فرودست‌سازی تلقی می‌شود؛ سیاستی که بدنیاال ادغام فرهنگی مناطق مرزی است بدون آن که در تقسیم ملی کار، نقش اقتصادی اجتماعی برای این مناطق تعریف کند. بر مبنای این روایت، کولبری نه محصول انتخاب اقتصادی حسابگرانه کولبران و نه نتیجه طبیعی اقتصاد محلی، بلکه پدیده‌ای تحمیلی است و بر بحران نمایندگی (بازنمایی) سیاسی مناطق مرزی گردنشین دلالت دارد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد سیاسی مرز، بحران بازنمایی سیاسی، تقسیم فرهنگی کار، ساختار نابرابر، کولبری.

Doi: <https://doi.org/10.22034/JSS.2024.2013782.1804>

^۷ مقاله علمی - پژوهشی

^۱ دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی و پژوهشگر پژوهشکده گردستان شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده

مسئول) o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

^۲ استادیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران؛ s.khani63@uok.ac.ir

^۳ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران؛ resuliadil@gmail.com

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، ص ۷۹-۱۰۴

مقدمه و بیان مسئله

مناطق مرزی ایران و به‌طور ویژه مناطق مرزی کردستان از توسعه‌نیافتگی رنج می‌برند؛ رتبه ۲۹ در بین ۳۱ استان و توسعه‌نیافتگی استان کردستان (عنبری و عبده‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۵۶) و نرخ بیکاری ۱۴ درصدی در سال ۱۳۹۹ در مقایسه با نسبت ۹/۶ درصدی کشور و قرار گرفتن در جایگاه چهارم پس از استان‌های چهارمحال و بختیاری، لرستان و کرمانشاه (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)، گویای پرابلماتیزه شدن^۱ توسعه در کردستان است. «مجموع سهم چهار استان مرزنشین‌گردنشین از GDP در سال ۱۳۹۲ حدود ۶ درصد بوده است؛ حال آن‌که سهم استان اصفهان به‌تنهایی ۷ درصد بوده است» (خضری، ۱۳۹۶: ۷۱). در چنین بستری، کولبری به یک الگوی معیشتی-زیستی بدل شده است که به میانجی رابطه مرکز-پیرامون به‌عنوان نوعی از اشتغال کاذب بر ساخت می‌شود. این پدیده به‌دلیل تداوم نابرابری ساختاری، به سبک معیشتی پایدار در مناطق مرزی گردنشین بدل شده است.

سهم دولت‌های مختلف برای جبران و ترمیم شکاف توسعه‌نیافتگی، ایجاد و ساماندهی بازارچه‌های مرزی بوده است. «دولت‌های بعد از جنگ تحمیلی با فراهم کردن بسترهای دادوستد در قالب سیاست‌گذاری، تصویب قوانین و نهادسازی، تجارت مرزی را همچون شیوه‌ای برای سازماندهی اقتصاد جامعه و دست‌یافتنی‌ترین راه برون‌رفت از توسعه‌نیافتگی در این مناطق بدل کردند» (امیرپناهی، ۱۳۹۷: ۸۸). از سال ۱۳۸۴، از جلب نیروهای انتظامی و ستاد مبارزه با قاچاق، در کنار معابر و بازارچه‌های رسمی، ایجاد بازارچه‌های موقت یا همان «معابر کولبری» در دستور کار قرار گرفت و چندین معبر کولبری در کردستان ایجاد شد (خضری، ۱۳۹۶: ۹۲). «گرچه بازارچه‌های مرزی با هدف ایجاد اشتغال و تأمین معیشت، کنترل قاچاق کالا و افزایش امنیت تأسیس شدند اما نمی‌توان به این نتیجه رسید که این اهداف محقق شده‌اند» (ولیعقی‌زاده و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲).

یکی از مفاهیم راه‌گشا در پژوهش حاضر برای فهم و تحلیل کولبری، «ساختار نابرابر» است که اقتصاددانان آمریکای لاتین و در پیوند با تئوری وابستگی به‌عنوان یک مفهوم تحلیلی در توصیف شرایط اقماری و نابرابری ساختاری به خدمت گرفتند. فرانک^۲ این نابرابری را تحت تأثیر تقسیم‌کار سرمایه‌داری، امری ساختاری و دائمی می‌دید (گتیزز^۳، ۲۰۰۴: ۲۸۵). او در مخالفت با

^۱ Problematization

^۲ Frank

^۳ Gutiérrez

فرضیه «جامعه دویخشی^۱» که بر مبنای آن، جامعه به دو بخش نسبتاً مستقل توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته تقسیم می‌شود، معتقد بود که گسترش سرمایه‌داری در سطح جهان به شکل ذاتی و ساختاری مستلزم رابطه‌ای از جنس مرکز-پیرامون است. رابطه‌ای که دو بخش ظاهراً مستقل را ایجاد می‌کند. اما فرلنگ عقیده دارد که این دو به لحاظ وجودی به هم وابسته‌اند. به میزانی که توسعه، نتیجه سرمایه‌داری است، توسعه‌نیافتگی و توسعه توسعه‌نیافتگی هم نتیجه این ساختار نابرابر است (ملاعباسی، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۹).

به باور پیندرهیوز^۲، ساختار نابرابر «الگوی جغرافیایی انقیاد جمعیتی متمایز در درون یک قدرت یا کشور مسلط است. این انقیاد از جانب قدرت مسلط، نتیجه نابرابری نظام‌مند گروهی است که در رویه‌ها، سیاست‌ها و اعمال نهادهای اجتماعی متنوع از جمله نظام‌های آموزشی، امنیت همگانی (پلیس، دادگاه‌ها و زندان‌ها)، سلامت و بهداشت، اشتغال، تولید فرهنگی و سرمایه‌گذاری اعمال می‌شود (پیندرهیوز، ۲۰۱۱: ۲۳۶). سلیمانی و محمدپور، به تأسی از نظریه بهره‌کشی داخلی مایکل هشتر^۳، بر این باورند که در ایران از طریق توسعه‌زدایی مداوم مناطقی با مذهب و قومیت متمایز، روابط داخلی مرکز-پیرامون ایجاد شده است. توسعه‌زدایی فرایندی است که از طریق آن قدرت مسلط استراتژی‌های بازدارنده برای جلوگیری از توسعه اقتصاد داخلی و اصلاح ساختاری اتخاذ می‌کند (سلیمانی و محمدپور، ۲۰۲۰: ۲). این رویکرد نسبت به کولبری از اساس با گفتمان غالب و مسلط مغایر است؛ گفتمانی که با مفهوم‌سازی و تقلیل کولبری به اشتغال کاذب و مسأله اقتصادی و رده‌بندی آن به‌عنوان قاچاق، راه‌حل را به ایجاد بازارچه مرزی و تعاونی مرزن‌نشینان فرو می‌کاهد و زمینه‌های ساختاری کولبری را نادیده می‌انگارد. با مرور مقاله‌های انتشاریافته در «پژوهش‌نامه مطالعات مرزی»، بهتر می‌توان به گفتمان مسلط نسبت به مرز و نواحی مرزی به ویژه نواحی مرزی گردن‌نشین پی برد. در این پژوهش‌نامه بخش قابل توجهی از مقاله‌ها به «قاچاق» اختصاص یافته است و با این‌همانی کولبری و قاچاق و تمرکز بر مخاطرات آن برای امنیت سیاسی و اقتصادی کشور، بر آسیب‌شناسی و مدیریت آن تأکید شده است (برای نمونه، فرهمند و همکاران، ۱۳۹۲؛ امان‌پور و فرهمند، ۱۳۹۳؛ رحمانی‌پور و مرادی دیزگرانی، ۱۳۹۴؛ جعفریان و همکاران، ۱۳۹۴؛ اصلانی اسلمرز و همکاران، ۱۳۹۴؛ ولیقلی‌زاده و

¹ Dual society

² Pinderhughes

³ Michael Hechter

حسین‌نژاد، ۱۳۹۵؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۹۶؛ غلامی، ۱۳۹۶؛ جالیان، ۱۳۹۸؛ میرزایی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ کاروانی و همکاران، ۱۳۹۹).

بانه به عنوان یکی از شهرهای مرزنشین کردستان از تحولات ساختاری و وابستگی فزاینده به مرکز در امان نمانده است. در چند دهه اخیر، درآمد مردم منطقه به مرز وابسته بوده و «کولبری» اصلی‌ترین شیوه ارتزاق از مرز بوده است. لازم به ذکر است که آمار رسمی دقیقی از تعداد کولبران در دست نیست. با توجه به تجربه زیسته پژوهش‌گر و پژوهش‌های موجود، در میان کولبران، رده‌های سنی مختلف از نوجوان تا افراد سالخورده و افراد با سطوح تحصیلات متفاوت دیده می‌شود (عنبری و عبده‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۶۲؛ سلیمانی و محمدپور^۱، ۲۰۱۹: ۵-۴؛ زارع‌شاه‌آبادی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۴۴). ضمن آن‌که به دلیل نابسامانی وخامت اقتصادی، کولبران به ساکنان بومی شهرستان بانه محدود نمی‌شود و افراد زیادی از دیگر شهرهای گردنشین در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه از معابر کولبری بانه ارتزاق می‌کنند؛ این امر بر گستردگی، دوام، فراگیری و همیشگی شدن این پدیده دلالت دارد. با نظر به تداوم و فراگیری پدیده کولبری، پژوهش حاضر در نظر دارد تا به‌میانجی روایت کولبران شهرستان بانه، زمینه‌های تداوم و پایایی کولبری را شناسایی کند.

پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر ادبیات میسوطی در باب کولبری منتشر شده است. خضری (۱۳۹۶) مجموعه مقالاتی را با عنوان «پیدا و پنهان کولبری» گردآوری کرده است. بخش قابل توجهی از مقالات و گفتگوهای این مجموعه به زمینه‌های کولبری از منظر کارشناسان و نخبگان معطوف بوده و بر عوامل توسعه نامتوازن و عدم شناسایی پتانسیل‌ها و نبود توسعه محلی (هدایتی، ۱۳۹۶؛ حامدی، ۱۳۹۶؛ ریگی، ۱۳۹۶)، مدیریت تمرکزگرا (صمدی، ۱۳۹۶)، بیکاری و فقر، مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده کولبری و بدوکی در کردستان و بلوچستان (ملازهی، ۱۳۹۶)، ضرورت تدوین برنامه توسعه ویژه برای استان‌های کردنشین (خالدی، ۱۳۹۶) و اصلاح قوانین گمرکی و بالابردن کیفیت کالای داخلی به‌عنوان راهی به سوی حذف کولبری (توکلی، ۱۳۹۶) تأکید شده است. احمدرش (۱۳۹۷) در پژوهش کیفی «دیالکتیک مرز و توسعه: تحلیل جامعه‌شناختی دشواری‌های توسعه پایدار در مناطق مرزی غرب کشور»، با ذکر «ناپایداری معیشت مرزنشینان»

¹ Soleimani & Mohammadpour

به‌عنوان عامل برساننده پدیده «ناپایداری و بدقواری» توسعه در مناطق مرزی غرب کشور، کولبری و مسائل مرتبط با آن را تنها بخشی از نمود ظاهری معیشت ناپایدار مرزنشینان عنوان می‌نماید. نتایج پژوهش کیفی زارع‌شاه‌آبادی و محمدی (۱۳۹۹) با عنوان «درک و فهم پدیده کولبری در شهرستان بانه» گویای آن است که پدیده کولبری رفتاری پرمخاطره است و امری تاریخی و بسترمند، نتیجه واکنش‌ها و تعاملات کولبران منطقه به فرصت‌ها و محدودیت‌های وضعیت جغرافیایی، معیشتی، اقتصادی و سیاسی است. همچنین بر اساس پژوهش کیفی محمودی و مرادی (۱۴۰۰) که به روش نظریه زمینه‌ای بر روی کولبران شهرستان پاوه انجام شده است، پدیده کولبری ریشه در مناسبات اقتصادی مسلط بر نواحی مرزی در دهه‌های اخیر دارد. پدیده کولبری به مثابه امری تاریخی و بسترمند ناشی از محرومیت‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و امکانات معیشتی و مرزبندی‌های ناخواسته است. این پدیده از نظر مرزنشینان به‌عنوان یگانه‌راه‌گزینه‌پذیر در واکنش به عدم توسعه در ابعاد گوناگون آن و نیز خویشاوندی و قرابت فرهنگی حاکم بر منطقه می‌باشد. قادرزاده و غیاثوند (۱۴۰۱) در مطالعه کیفی بسترهای تداوم کولبری در منطقه مرزی بانه نشان داده‌اند، بسترهای مدیریت پرتناقض و پرنوسان در مناطق مرزی، حکم‌شدگی مبادلات مرزی در نظام فرهنگی، پاسخ راهبردی کولبری به تقاضاهای درونی و بیرونی، میدان‌داری الگوی خاصی از سرمایه‌داری و افول سرمایه اجتماعی در تداوم کولبری سهیم بوده است.

در این میان همچنین می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره نمود که با دیدگاهی متفاوت و نسبتاً انتقادی به مطالعه کولبری پرداخته‌اند. از جمله مردم‌نگاری دلپسند و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی زیست‌جهان اجتماعی کولبران مرزی» که به کولبری به‌مثابه پیامد ناخواسته مرز، اقتصاد غیررسمی مرز در اثر سیاست‌های اقتصادی دولت متمرکز و نگاه بالا به پایین می‌نگرد. همچنین یافته‌های پژوهش عنبری و عبده‌زاده (۱۳۹۹) با روش مردم‌نگاری انتقادی و با عنوان «برساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران (واکاوی زیست‌جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه)» مؤید آن است که کولبری تحت تأثیر فقر اقتصادی و نبود منبع درآمد جایگزین، احساس تبعیض ساختاری، جبر محیطی و ضعف اشتغال صنعتی، کشاورزی و گردشگری، بازتولید جبری مرز، عقب‌نشینی دولت در حمایت از فقرا، رواج سرمایه‌داری رانتیر در نبود سرمایه داری صنعتی، احساس طرد اقتصادی و فرهنگی برساخت شده است. پدیده کولبری محصول انتخاب مرزنشینان غرب کشور نبوده،

بلکه به واسطه عوامل پیش گفته بر ساخت شده است. بر مبنای یافته‌های مطالعه شریف‌پور و همکاران (۱۴۰۲) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی توسعه نامتعادل منطقه‌ای و ذهنیت اجتماعی مردم مناطق مرزی کردستان (با تأکید بر برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب)»، نظم گفتمانی مسلط بر برنامه‌های توسعه در دولت‌های مختلف، مانع توسعه مناطق مرزی شده است؛ از این رو، برای توسعه مناطق مرزی و تحقق عدالت فضایی منطقه‌ای، الگوی ساختاری «مرکز-پیرامون» بایستی واسازی و براساس روابط ساختاری معکوس، الگوی «پیرامون-مرکز» بازسازی شود. در همین راستا می‌توان به پژوهش راه‌گشای سلیمانی و محمدپور (۲۰۱۹) اشاره کرد که با روش تحقیق ترکیبی و تکنیک مصاحبه تفصیلی انجام شده است. بر مبنای یافته‌های پژوهش، کولبری نتیجه سیاست‌های تک‌قومیتی و تک‌مذهبی مربوط به توسعه است و بیشتر پدیده‌ای سیاسی است تا اقتصادی.

با مرور ادبیات پژوهشی، این نکته خودنمایی می‌کند که پژوهش درباره کولبری سیر فزاینده‌ای بخود گرفته است. پژوهش‌های مذکور به نوعی این نکته را تأیید می‌کنند که کولبری در نواحی گردنشین به طور عام و در میدان مورد مطالعه به طور خاص امری بسترمند و تاریخی است که تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و گاه جغرافیایی ایجاد شده است. پژوهش حاضر با گذار از گفتمانی که با «قربانی‌انگاری کولبران» و مفهوم‌سازی آن به مثابه «اشتغال کاذب» و «قاچاق» در صدد سیاست‌زدایی و هویت‌زدایی از کولبری و کولبران هستند، با خدمت‌گیری مفهوم «تقسیم فرهنگی کار» و «ساختار نابرابر» چشم‌انداز دیگری را پیش می‌کشد که بر مبنای آن گفتمان مسلط برای مشروعیت بخشیدن به کردار خود، «دیگری» را نه تنها به شکل متفاوت، بلکه خطرناک، تهاجمی و تنبل برجسته می‌سازد.

سازه‌های مفهومی و نظری

کولبری در ابتدا محصول روابط ساختاری نابرابر میان مرکز و حاشیه است که می‌توان آن را در قالب سازه نظری «بهره‌کشی داخلی» مفهوم‌سازی کرد. بهره‌کشی داخلی، ناظر بر شکلی از روابط سلطه در چارچوب سیاسی واحد (دولت-ملت) است. این مفهوم ابداع نظری نظریه پردازان اقتصادی آمریکای لاتین است و به عنوان بخشی از بدنه بزرگ‌تر نظریه وابستگی مطرح شد. سؤال اصلی این دسته از اقتصاددانان این بود که چرا در دوران شکوفایی پس از جنگ جهانی دوم، اقتصادهای آمریکای لاتین، آسیایی و آفریقایی، توسعه پایدار و رشد را تجربه نکردند؟ پاسخ

اقتصاددانان تئوری وابستگی، نابرابری ساختاری نهفته در ساختار نظام سرمایه‌داری بود (گیترز^۱، ۲۰۰۴: ۵-۲۸۴). «مایکل هشتر همین اصطلاح را به‌گونه‌ای مفهوم‌سازی کرد تا نابرابری‌های ساختاری درون یک چارچوب سیاسی واحد را توصیف کند. بهره‌کشی داخلی، وضعیتی را توصیف می‌کند که در مجموعه‌ای واحد از نهادهای سیاسی و بازار واحد، محیط پیرامونی توسط هسته‌ای غالب در وضعیت اقتصادی پایین‌تری قرار می‌گیرد» (کالورت^۲، ۲۰۰۱: ۵۲).

نواحی گردنشین در چند دهه اخیر نه تنها توسعه واقعی را تجربه نکرده‌اند بلکه با توسعه توسعه‌نیافتگی مواجهه کرده‌اند (سلیمانی و محمدپور، ۲۰۱۹: ۱۶) بدین ترتیب می‌توان پرسید که چرا با وجود سیطره گفتمان توسعه در سیاست دولت‌های مختلف و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، سهم مناطق گردنشین از توسعه کمترین بوده است؟ به تاسی از هشتر، فرانک و هم‌فکرانشان می‌توان پاسخ را در نابرابری نظام‌مند جست‌وجو کرد.

کولبری گرچه نتیجه ساختار نابرابر است، اما این نابرابری تنها جنبه اقتصادی ندارد بلکه وجوه فرهنگی نیز دارد و بر بنیان تفاوت‌های فرهنگی تکوین و تداوم یافته است. هشتر، سلطه مستقیم را نقطه مقابل سلطه غیر مستقیم می‌داند. در وضعیت سلطه مستقیم، وابستگی به مقامات مرکزی، جایگزین وابستگی به مقامات محلی می‌شود و قدرت در انحصار مرکز قرار می‌گیرد. دو مؤلفه بنیادین سلطه مستقیم عبارتند از: دامنه و نفوذ^۳. دامنه، به ارائه کالاهای عمومی^۴ از جانب دولت اشاره دارد. در جایی که دامنه دولت زیاد باشد، افراد برای دسترسی به کالاهای عمومی به دولت وابسته می‌شوند (هشتر و همکاران، ۲۰۰۶: ۶-۵).

به تاسی از ادبیات تجربی، می‌توان گفت که دولت در مناطق گردنشین در زمینه ارائه کالاهای عمومی مانند آموزش، بهداشت و ... ناکارآمد بوده است (قادرزاده و محمدزاده، ۱۳۹۷: ۳۹). در اثبات این ادعا، می‌توان به برآیندهای توسعه انسانی در استان کردستان در حوزه‌های آموزش، بهداشت، اشتغال و محیط توانمندساز اشاره کرد که در مطالعه خانی و محمدزاده، ۱۳۹۷) و بر مبنای داده‌های آخرین سرشماری کشور (۱۳۹۵) احصاء شده و بر این ناکارآمدی صحنه می‌گذارند. بر مبنای اطلاعات مندرج در جدول ۱، وضعیت استان کردستان در شاخص‌هایی که مستقیماً با سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و ارائه کالاهای عمومی ارتباط

¹ Gutiérrez

² Calvert

³ Scope and Penetration

⁴ Collective goods

دارند، در سطح کشور مطلوب نیست. به عنوان نمونه، درصد بیکاری جوانان ۲۴-۱۵ ساله در کشور ۲۹/۲ درصد و در استان کردستان ۴۱/۲ درصد بوده و از این نظر پس از سیستان و بلوچستان در جایگاه دوم قرار دارد.

جدول ۱. وضعیت و جایگاه کشوری استان کردستان در پاره‌ای از شاخص‌های آموزش، بهداشت، اشتغال و محیط توانمندساز

رتبه در سطح کشور	استان کردستان	کشور	شاخص، سال ۱۳۹۵
۲۴	۸۴/۵	۸۷/۶	درصد باسوادی مردان و زنان ۶ ساله و بیشتر
۱۹	۲۱/۶	۲۱/۹	درصد جمعیت باسواد ۲۵ ساله و بالاتر دارای تحصیلات متوسطه اول و دوم
۲۱	۱۷۵/۷	۲۰۱/۷	سرانه تخت به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر
۱۹	۶۲/۹	۶۰/۵	سرانه پزشک به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر
۲۵	۷۲/۳	۷۴	امید زندگی کل (سال)
۳	۱۶/۳	۱۲/۶	درصد بیکاری جمعیت فعال
۲	۴۱/۲	۲۹/۲	درصد بیکاری جوانان ۲۴-۱۵ ساله
۱۷	۱۳۷۴۹۱	۸۸۲۵۱۰۵	تعداد خطوط پرسرعت اینترنت
۲۵	۱۷۸	۱۵۴۶۳	کل بزرگراه (کیلومتر)
۲۶	۷/۷	۱۶/۵	کارگاه‌های بزرگ صنعتی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر

منبع: خانی و محمدزاده، ۱۳۹۷

در مؤلفه دوم سلطه مستقیم، یعنی نفوذ، به ظرفیت کنترل دولت مرکزی اشاره دارد؛ یعنی نسبت قوانین و سیاست‌هایی که از جانب مرکز در مقابل تصمیم‌گیرندگان منطقه‌ای یا محلی وضع و اجرا می‌شود. در ایران، سیاست‌گذاری‌ها از بالا به پایین و تمرکزگرا است (دلپسند و همکاران، ۱۳۹۷: ۱). نهادینه کردن سلطه مستقیم، متضمن همگن‌سازی فرهنگی و افزایش دامنه و نفوذ حکومت است. «تقسیم فرهنگی کار» از پیامدهای اصلی سلطه مستقیم است. هشتر، اصطلاح «تقسیم فرهنگی کار» را برای «کشورهایی که کنترل خود را بر حاشیه‌های متمایز فرهنگی گسترش می‌دهند» بکار برد (هشتر، ۲۰۲۱: ۱۴۷). زمانی که نابرابری‌های اقتصادی با تمایزات فرهنگی درآمیزد، «تقسیم فرهنگی کار» شکل می‌گیرد و به تبع آن، ادغام سیاسی اجتماعات حاشیه‌ای در اجتماع ملی مختل می‌شود. ساختار قشربندی مذکور ممکن است از نظر حقوقی

تضمین شود و دولت از طریق اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز از تخصیص نقش‌های اجتماعی ارزشمند به اعضای اجتماعات محروم جلوگیری نماید (هشتر، ۱۹۷۵: ۴۰-۳۹).

مایکل هشتر، به تقسیم فرهنگی کار به‌عنوان یکی از ابعاد بهره‌کشی داخلی اشاره می‌کند. «از منظر پابلو کازانو^۱ در آمریکای لاتین، میراث بهره‌کشی داخلی با فقدان حاکمیت گروه حاشیه بر سرنوشت خود، توسعه وابسته، خفه‌سازی رفاه و تهدید فرهنگی حاشیه همراه بوده است. در همین راستا، تقسیم فرهنگی کار جهت پیشبرد موقعیت (پیرامونی) گروه حاشیه و توسعه‌نیافتگی آن اولویت می‌یابد» (هرناندز^۲، ۲۰۰۳: ۱۸-۱۷). بدین ترتیب، تقسیم فرهنگی کار یکی از ضروریات بهره‌کشی داخلی جهت حفظ موقعیت پیرامونی گروه حاشیه است. از منظر هشتر، تقسیم فرهنگی کار در یک ساختار نامتقارن و بر مبنای تمایز فرهنگی و تفاوت در نشانگرهای فرهنگی رخ می‌دهد. «مهم‌ترین نشانگرهای فرهنگی زبان، مذهب و رنگ پوست هستند» (هشتر، ۱۹۷۵: ۲۹۹).

در ایران، تقسیم فرهنگی کار از یک طرف، به نوسازی نامتوازن منتج شده و از طرف دیگر، منابع قدرت میان گروه‌ها و اجتماعاتی که به لحاظ شناسه‌های فرهنگی و هویتی متفاوت هستند به طرز نابرابری توزیع شده است. پژوهش قادرزاده و محمدزاده (۱۳۹۷: ۴۰) به محوریت ناسیونالیسم فرهنگی در سیاست‌های هویت‌سازی در ایران اشاره دارد؛ بر این اساس، سلطه مستقیم به‌میانجی تقسیم فرهنگی کار، مجاری تحرک اجتماعی و سیاسی و دستیابی به مشاغل و نقش‌های اجتماعی و سیاسی با مزیت بالا را برای ساکنان مناطق مرزی گردنشین مسدود یا بسیار دشوار نموده است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر اهمیت ویژه‌ای برای کولبران به‌مثابه کنش‌گرانی خلاق قائل است و هدف اساسی آن، مطالعه درک کولبران از کولبری و زمینه‌های برساخت آن به‌میانجی روایت کولبران است؛ بر همین مبنا از روش‌شناسی کیفی و روش تحلیل روایت^۳ بهره گرفته شده است. «پس از آنکه دانشمندان علوم اجتماعی امکان ردیابی روابط اجتماعی مستتر در روایات را یافتند، تحلیل روایت در تحقیقات کیفی به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت» (ساوا^۴، ۲۰۲۳: ۳-۲). تحلیل روایت بر روش‌هایی که مردم با میانجی بیان داستان خود، جهان را می‌سازند، آن‌را معنا می‌بخشند و

¹ Pablo Casanova

² Hernandez

³ Narrative analysis

⁴ Thuv

نهایتاً به کار می‌گیرند، متمرکز است. یکی از اهداف پژوهش‌گر، دستیابی به زمینه‌های تکوین و تداوم کولبری است. کولبری و تداوم آن بر پرابلماتیزه شدن توسعه در مناطق مرزی دلالت دارد؛ بامیانجی روایت کولبران که طرد اجتماعی را در زندگی خود تجربه نموده‌اند می‌توان به سویه‌های توسعه‌نیافتگی این مناطق پی‌برد. در این روایت‌ها کولبران با دادن الگو و نظمی خاص به عناصر دخیل در زیست‌جهان خود (اشیا، افراد، گروه‌ها و نهادها)، هر کدام را تشخیص بخشیده و جایگاه آن‌ها را تعیین می‌کنند. این روایت‌ها به ما کمک خواهند کرد تا سرنخ‌هایی از فرایند تکوین و تداوم کولبری را در داستان زندگی کولبران کشف کنیم. در مطالعات مربوط به مناطق مرزی، تحلیل روایت نادیده گرفته شده است و در تعدادی از مطالعات بر نظریه زمینه‌ای و مردم‌نگاری نهادی و انتقادی در مقام روش تمرکز نموده‌اند.

میدان مورد مطالعه، فضای کولبری در شهرستان بانه و واحد تحلیل، «افراد کولبر» است. به جهت سنی، محدودیتی برای مصاحبه با کولبران در نظر نبوده و تلاش بر این بود کولبرانی با سنین مختلف در میان اعضای نمونه باشند. نمونه‌های مورد مطالعه با میانجی ترکیبی از نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌گیری با حداکثر تنوع و نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند (جدول ۲). مدیریت و تحلیل داده‌ها به شیوه تحلیل موضوعی^۱ و به کمک نرم افزار مکس کیودا^۲ انجام گرفت.

جدول ۲. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	نام ^۳	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	تجربه کولبری
۱	محمد	۲۷	دیپلم	متأهل	۱۲ سال
۲	علی	۳۳	دیپلم	متأهل	۷ سال
۳	رامیار	۳۰	راهنمایی	متأهل	۳ سال
۴	آکو	۲۸	ابتدایی	متأهل	۳ سال
۵	مهدی	۳۴	دیپلم	متأهل	۵ سال
۶	دیاکو	۳۲	راهنمایی	متأهل	۱۳ سال
۷	پشتیوان	۲۶	لیسانس	متأهل	۴ سال
۸	سعدی	۳۰	دیپلم	متأهل	۳ سال
۹	میران	۳۰	ابتدایی	متأهل	۴ سال
۱۰	بهزاد	۲۴	لیسانس	مجرد	۳ سال

^۱ Thematic analysis

^۲ Maxqda

^۳ جهت رعایت اخلاق پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات مصاحبه‌شوندگان، از نام‌های مستعار استفاده شده است.

کولبری؛ زمینه‌های تکوین و تداوم آن

کد	نام ^۲	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	تجربه کولبری
۱۱	حسین	۳۲	ابتدایی	متأهل	۳ سال
۱۲	خالد	۲۷	ابتدایی	متأهل	۴ سال
۱۳	عبدالله	۳۱	راهنمایی	متأهل	۵ سال
۱۴	مازیار	۳۳	ابتدایی	متأهل	۱۵ سال
۱۵	سعید	۳۲	دبیرستان	متأهل	۳ سال
۱۶	زانیار	۴۰	ابتدایی	متأهل	۴ سال
۱۷	دانا	۲۷	دبیرستان	متأهل	۴ سال
۱۸	کامیل	۴۷	ابتدایی	متأهل	۳ سال
۱۹	کیوان	۲۱	راهنمایی	مجرد	۴ سال

یافته‌های میدانی: کولبری و زمینه‌های آن

کولبری به‌عنوان راهی جهت امرار معاش تنها در چند دهه اخیر فراگیر شده و به مجرای اصلی تأمین معاش اکثر ساکنین نواحی مرزی بدل شده است. از تحلیل روایت کولبران، دو مضمون اصلی «اقتصاد مرزی تخریب‌شده» و «ساختار نابرابر» به‌عنوان زمینه‌های کولبری استخراج شد.

۱. اقتصاد مرزی تخریب‌شده

بر مبنای تحلیل روایت کولبران، «اقتصاد مرزی تخریب‌شده» به‌عنوان یکی از مضامین اصلی زمینه-ساز کولبری شناسایی شد. این مضمون اصلی دربرگیرنده پنج مضمون فرعی «مرز و اقتصاد تک مجرای»، «اقتصاد مسأله‌زا»، «محوریت رشوه»، «فقدان شایسته‌سالاری» و «برساخت سیاسی کولبری» می‌باشد. بر مبنای داده‌ها، کولبری پدیده‌ای اقتصادی-سیاسی است که نتیجه اقتصاد مرزی تخریب‌شده است.

در مناطق مرزی غرب ایران، نه تنها توسعه اقتصادی پدیدار نشده است بلکه اقتصاد محلی مبتنی بر دامداری و کشاورزی نیز تخریب شده و وابستگی به مرز سیر فزاینده‌ای پیدا کرده است. مدیریت مرز از بالا و به‌میانجی سیاست‌های متمرکز اعمال می‌شود که توسعه‌نیافتگی را تشدید می‌کند. راه‌اندازی «معابر کولبری» و محروم‌سازی از توسعه و کمبود اشتغال رسمی، نقشی اساسی در وابستگی اقتصادی به مرز و روی آوردن مردم به کار مرزی داشته است. اما سخت‌گیری‌های نهادهای حکومتی و قتل چهارپایان- به‌عنوان تنها ابزار تأمین درآمد خانوار- مزید بر علت شده و راهی به‌جز کولبری پیش پای مردم نگذاشته است. در چنین شرایطی، مردم به دلیل عدم استطاعت

مالی خرید مجدد چهارپا^۱ و در عین حال به دلیل ممنوعیت حمل بار با چهارپا، به ناچار به حمل بار با کول روی آورده‌اند. این امر از زبان مازیار با تحصیلات ابتدایی، ۳۳ سال سن و تجربه ۱۵ سال کار مرزی و کولبری، چنین روایت شده است:

«من اگه دولتم بیاد برام کاری فراهم کنه مجبور نیستم کولبری کنم. این فقط گرد بدبخت و بی‌پناهه که کولبری می‌کنه. اینم به خاطر دولت هستش که ما رو دچار کرده. دولت خوب نیست. شاید از به طرف خودمون هم مقصریم. می‌تونستیم بگیریم با کوله نمیاریم و از چهارپا استفاده می‌کنیم. اونوقت می‌شد مخالفت کرد. البته چاره‌ای هم نداشتیم. توانایی انتخاب نداشتیم. قاطر می‌خریدی می‌کشتن. در کل نمی‌داشتن از چهارپا استفاده کنی».

روایت سعید، ۳۲ ساله با تجربه ۳ سال کولبری و تحصیلات دبیرستان، مؤید افزایش سخت‌گیری‌ها و سیاست گسترش روزافزون کولبری است:

«هیچ انتظاری. انتظاری هم داشته باشیم به جایی نمی‌رسه. حداقل آنقد سخت‌گیری نکنن. راه رو برای کسب و کار ما باز کنن. از وقتی کار با چهارپا قاچاق شد مردم به کولبری روی آوردن. مردم ناچار شدند که کولبری کنند. یه جورایی عمداً نمی‌ذارن».

زانیار، ۴۰ ساله با تحصیلات ابتدایی و ۴ سال تجربه کولبری در روایت خود، خشونت کارگزاران مرز را توصیف می‌کند تا جایی که نه تنها چهارپایان به‌عنوان ابزار معیشت قتل‌عام می‌شوند بلکه زندگی و جان انسان در مرز اهمیت خود را از دست داده است:

«کولبر مجبوره. مشکلاتی داره. مردم برایش ارزش قائل نیستند چون با کول بار رو میاری و این کار انسان نیست. خودم هم این کار رو کسر شأن می‌دونم. می‌شد و می‌شه بار رو با چهارپا بیاریم. اما دولت نمی‌زاره. او انسان‌ها رو می‌کشه چه برسه به چهارپاها».

مضمون مشترک در روایت کولبران، این واقعیت است که صنعت و اشتغالی رسمی در مناطق مرزی وجود ندارد و نهادها و دستگاه‌های اجرایی راه کولبری را باز کرده‌اند؛ در عین حال با مانع‌تراشی، جلوی امرار معاش مردم را گرفته‌اند. روایت میران، با ۳۰ سال سن و تحصیلات ابتدایی و ۴ سال تجربه کولبری بر وجود موانع زیاد بر سر راه مشاغل رسمی و غیرمرزی دلالت دارد:

۱. قیمت چهارپای باری بیش از سه برابر درآمد ماهانه یک کولبر است و خرید چندباره آن مقرون به‌صرفه نیست.

«هیچ خوشی یا فرصتی نیست سختی هم تا بگی. نمی‌دونم جاهای دیگه هم آنقدر سخت باشه یا نه. من برای کسب معیشت میرم بیرون ولی جنازه دوست و برادرم رو میارم خونه. برای پیدا کردن روزی روزانه خودم واقعاً مانع می‌تراشند. در کار شهرداری و جاهای دیگه هم اینطور هستش».

بر اساس روایت پشتیوان، ۲۶ ساله، با ۴ سال تجربه کولبری و دارای لیسانس، کولبری «به سیاست برمی‌گرده. این همه بودجه میاد هیچ تغییری هم نیست. اشتغال‌زایی نیست. نیازهای اولیه هم برآورده نمی‌شه. به خاطر فساد و نبود خدمات لازم و ضروری».

حسین، با ۳۲ سال سن و تحصیلات ابتدایی که ۳ سال تجربه کولبری دارد، معتقد است که فساد سیستماتیک محدود به مرز نیست و در نهادهای مختلف گسترش یافته است:

«ما گرد سقز و بانه هیچ مسئولی نداریم. ... اگه راست می‌گه چرا دو تا کارخونه و شرکت دایر نمی‌کنه. چرا کسی به حرف‌های ما گوش نمیده. چرا باید همیشه زیردست باشیم. چرا باید همش رشوه‌گیر باشه. از یه شهردار گرفته تا مأمور روی مرز. از سرباز تا مسئولان بلندپایه».

کیوان، ۲۱ ساله با تحصیلات راهنمایی و ۴ سال تجربه کولبری نیز به «محوریت رشوه» در شبکه روابط مرزی اشاره می‌کند:

«همشون رشوه‌گیر هستند. از یه سرباز تا وزیرش اینطوره. قانونش اینه یا پول میدی یا می‌کشم. یا پول میدی یا می‌میری. هیچ قانونی نیست».

در همین مورد، روایت سعدی، با مدرک دیپلم، ۳ سال تجربه کولبری و ۳۰ سال سن، قابل تأمل است:

«سیستم، سیستم نیست. چرا اینطور می‌گم. یکی رو میکشه. یه سرباز در اونجا همه‌کاره هستش. پول می‌گیره و رد می‌کنه. یه سربازه دیگه هست که می‌تونه تو رو بکشه و کسی هم ککش نمی‌گزه. یکی هم هست که می‌تونه تو رو تحویل دادگاه بده و به شیوه قانونی برخورد کنه. هر مأموری خودسرانه کار می‌کنه».

از این روایت‌ها چنین بر می‌آید که در مرز با «عقب‌نشینی نهاد قانون» و نوعی «خلأ قانونی» مواجه هستیم. این شرایط، امرار معاش کولبران را با مخاطره، اضطراب و بلا تکلیفی همراه ساخته است. کولبران از حداقل حقوق انسانی و شغلی محروم بوده و در چرخه باطلی به دام افتاده‌اند که توان رهایی از آن را ندارند و منافع مرز به «غیرمرزنشینان» و «قاچاقچیان اصلی» می‌رسد که از برخورد قانونی مصون هستند.

میران، ۳۰ ساله، با تحصیلات ابتدایی و ۴ سال تجربه کولبری در این باره چنین روایت می‌کند:

«کسایی هستن که خود دولت راه رو براشون باز می‌کنه. کولبر نهایتش چهل پنجاه کیلو برمی‌داره. در عوضش افرادی هستن که حتی اهل اینجا هم نیستن بدون اینکه شناخته بشن بار میارن. اونا قاچاقچی هستن. کسایی که چندین تن میارن بدون مشکل و شلیک گلوله بهش. برخورداردی متفاوتی وجود داره. من کولبر کشته میشم اونم راحت کارش رو می‌کنه. تفاوت بسپاره. کولبره که ضربه می‌بینه و مشکل براش پیش میاد».

روایت کیوان، ۲۱ ساله با تحصیلات راهنمایی و ۴ سال تجربه کولبری مؤید خلاء قانونی و فقدان نظارت است: «لان زنها هم کولبری می‌کنند. دولتی که دولت باشه چطور باید اجازه بده زنها کولبری کنند. به جای ارشاد باید بازرس مرزی می‌داشت. چرا کولبرا کشته می‌شن. چرا یه پسر پانزده ساله ساعت سه شب در دمای منفی سی درجه بره مرز برای کولبری. چرا همچنین شرایطی رو فراهم کرده».

به‌باور کولبران، در مناطق مرزی، رویکردهای امنیتی بر رویکردهای توسعه‌ای غلبه دارد و مرزنشینان آینده مبهم و نامعلومی را فراروی خود می‌بینند. فارغ از واقعی یا خیالی بودن این انگاره، مرزنشینان قربانی ترس از ناامنی‌ها و جنگ‌های احتمالی و از پیش بدیهی انگاشته شده هستند. رویکردهای امنیتی، سرمایه‌گذاری دولتی و همچنین پشتیبانی از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و محلی را به محاق برده است.

روایت رامیار، ۳۰ ساله، با تحصیلات ابتدایی و ۳ سال تجربه کولبری، حاوی برخی از این مضامین است:

«ینم هست که در کردستان خودمون صنعتی نیست همینه که میرن کولبری. مثلاً سرمایه‌دار خودمان چرا پاساژ ساخته. یه کارخانه می‌ساخت بهتر نبود؟ چرا رفته چین کارخانه بخره؟ مردم چین اشتغال داشته باشند. یا رفته دبی کارخانه ساخته. شاید بگه فردا جنگ بشه. دولت هم ساخته. کاری به دولت نداشته باش که شاید بگه کردها رو نمی‌خوام».

علی نیز که ۳۳ سال سن داشته و تجربه ۷ سال کولبری دارد، صنعتی نبودن کردستان را به نگاه امنیتی گره می‌زند:

«لان بیست ساله کولبری هست. صنعت و کارخانه‌ای نیست. اینکه صنعت و کارخانه‌ای نیست شاید تا حدودی به دلیل گرد بودن ماست. با دید امنیتی به کردستان نگاه می‌شود».

برای کولبران زندگی در مرز و کولبری با زیستن در وضعیت جنگی همراه است که روایت کامیل با ۳۷ سال سن و ۳ سال تجربه کولبری گویای آن است:

«مأمور ما رو قربانی می‌کنه تا خودش درجه بالاتری رو بگیره. همه دنیا می‌دونه که اینا که در این مرز هستند کولبر هستند. الان که دیگه زمان جنگ نیست. مأمور می‌دونه که کولبره پس چرا شلیک میکنه؟ خودش میدونه کولبره. عمداً شلیک می‌کنه.»

بر این اساس، با توجه به روایت‌های مکرر کولبران یکی از زمینه‌های شکل‌گیری کولبری، اقتصاد تخریب‌شده‌ای است که پیوند وثیقی با سیاست‌های متمرکز و از بالا دارد؛ سیاست‌هایی که نه تنها در خدمت توسعه و اشتغال‌زایی نیست بلکه سبب تداوم اقتصاد وابسته به مرز و کولبری شده است.

۲. ساختار نابرابر

«ساختار نابرابر»، به‌عنوان یکی از سازه‌های نظری، علاوه بر برانگیختن حساسیت نظری، به‌مثابه یکی از مضامین اصلی در روایت کولبران خود را نشان داد. این مضمون اصلی دربرگیرنده مضامین فرعی «محرومیت و تبعیض»، «توسعه‌زدایی» و «تقسیم فرهنگی کار» است. فراوانی قابل توجه کدهای اولیه هر مضمون فرعی نشان از آگاهی کولبران به رابطه فرودستی و فرادستی و نقش تمایز فرهنگی پیرامون از مرکز در شکل‌گیری کولبری و فهم کولبری به‌عنوان تقسیم فرهنگی کار دارد. تحلیل روایت‌های کولبران ما را به مفهوم ساختار نابرابر رهنمون ساخت که به تکمیل مباحث بخش قبلی و فهم و تبیین اقتصاد سیاسی مرز کمک نمود. ساختار نابرابر و بهره‌کشی داخلی برای توضیح توسعه تاریخی نابرابری قومی و نژادی در دنیای مدرن مطرح شد. ولپ^۱ در مورد بهره‌کشی داخلی در آفریقای جنوبی به دو مشخصه اصلی اشاره می‌کند: «نخست، رابطه بهره-کشی بین کشورهای مختلف، کل جمعیت، ملت‌ها، مناطق جغرافیایی، یا بین مردمانی با نژادها، رنگ‌ها و فرهنگ‌های مختلف برقرار است. دوم، رابطه بهره‌کشی با سلطه، ستم و استثمار مشخص می‌شود» (ولپ، ۱۹۷۵: ۱۰۶). بهره‌کشی داخلی توضیح‌گر وضعیت فرودست یک گروه نژادی یا قومی در سرزمین خود در داخل مرزهای یک دولت بزرگ‌تر است که تحت سلطه مردمانی متفاوت هستند» (چاوز، ۲۰۱۱: ۷۸۶). در روایت کولبران مضامین «زیردستی»، «بهره‌کشی»، «محرومیت»، «تبعیض»، «تحمیل مرز» و «تحمیل کولبری» به کرات تکرار شده و کارگزاران نهادی به‌عنوان «دیگری» و «بهره‌کش» فهم و تفسیر شده است. از تحلیل روایت کولبران

^۱ Wolpe

^۲ Chávez

مضامین دیگری از قبیل «طرد سیاسی»، «توسعه‌زدایی» و «تقسیم فرهنگی کار» استنتاج شده است.

۲-۱. توسعه‌زدایی

ساختار نابرابر، امر توسعه را از مسیر خود منحرف و سبب توسعه‌زدایی بخش پیرامونی می‌شود. در چنین شرایطی مرز نه تنها در خدمت توسعه اقتصادی و آبادانی این نواحی نیست بلکه به میدان نیستی و ویرانی مردمان این نواحی بدل می‌شود. حسین، ۳۲ ساله با تحصیلات ابتدائی و ۳ سال تجربه کولبری، به افزایش مرگ کولبران اشاره می‌کند و در روایت خود مرگ کولبران را محصول موقعیت حاشیه‌ای در زیست سیاسی می‌داند:

«قبلاً شلیک کمتر بود. الان دستور داده شده کولبر رو بکشه. انسان‌ها رو تموم کنه. گرد رو به فنا بده. الان ما زیردست هستیم. در این شرایط کاری ازت برنماید. نزدیک مرز باشی باید مشغول کار مرزی بشی و مثل برف جلوی آفتاب، آب شی».

در این زمینه سعدی، ۳۰ ساله با تحصیلات دیپلم و ۳ سال تجربه کولبری به فروش منابع طبیعی و معادن کردستان از جانب دولت اشاره می‌کند. به زعم وی، بحران بازنمایی در قدرت سبب شده است گرد دچار محرومیت، فقدان و ستم شود:

«باید دولتی باشه که ما رو قبول کنه. اگه جایی در دولت داشتیم؛ نماینده‌ای در دولت داشتیم ما رو تأمین می‌کرد. نفت و گاز و طلای ما رو نمی‌فروختن. هیچ چیزی به دست نیاوردیم. چیزی نداریم. این همه جوان فعال و درس خوانده داریم چرا بیکارن، بیشتر به خاطر اینه که گردیم. به نوعی تمام غیر فارس‌ها ستم میبینن. ترک، لر، عرب».

کامیل، با ۳ سال تجربه کولبری و ۴۷ سال سن، ضمن اشاره به زیست دشوار و سختی مضاعفی که کولبران تجربه می‌کنند، به استثمار کردها و کولبران و عدم سرمایه‌گذاری در کردستان و بهره‌کشی اشاره می‌نماید:

«من به عنوان یه کولبر بیشترین ستم رو میبینم. بیشترین خستگی. مرگ و کشته شدن. ایران از برخی جهات خوبه ولی از برخی جهات دیگه خیلی بده. مثلاً به لحاظ استثمار و کشتن کولبرا و کردها، نبود کارخانه و اینا خیلی فرق می‌ذاره. یا این همه معدن و چیزها اینجا هست اینجا کارخانه نمی‌سازه می‌بره شهرهای دیگه. مثل اینه که استعمار شدی. دولت نمی‌خواد در کردستان سرمایه‌گذاری کنه».

در همین راستا سعدی، با مدرک دیپلم، ۳ سال تجربه کولبری و ۳۰ سال سن، به اقدامات ضد توسعه‌ای که در عمل به وابسته‌سازی به مرز منتج شده است، اشاره می‌کند:

«ما قدرت سیاسی نداریم. این همه منابع و معادن ما رو به شهرهای دیگه سرازیر کردن. حاضر نیستن که در اینجا کارخانه‌ای بسازن. اون‌ها رو به تهران و اصفهان سرازیر می‌کنند. اینجا همه‌کاره خودشه و نمی‌ذارن.»

یکی از مصادیق سیاست‌های توسعه‌زداپانه در مناطقی مانند «گردستان»، سهم بسیار اندک استان گردستان از تولید ناخالص داخلی است که در بهترین حالت به ۱/۲ درصد نیز نمی‌رسد (خانزادی و صادقی‌نسب، ۱۳۹۶: ۱۶-۱۴). سهم این استان در دهه ۹۰ نیز بهبود چندانی نداشته است. «دو استان تهران و خوزستان در حالی به تنهایی ۳۷/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده‌اند که به لحاظ پوشش جمعیتی تنها ۲۲ درصد از جمعیت ایران را شامل می‌شوند. هشت استان گردستان، زنجان، اردبیل، قم، سمنان، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی و خراسان جنوبی نیز با دارا بودن ۱۱ درصد از جمعیت ایران در مجموع ۶ درصد از کیک اقتصادی کشور را تشکیل می‌دهند (ولی‌پور به نقل از سایت فرصت امروز، ۱۴۰۰/۱۰/۲۲).

استان‌های گردنشین در دام چرخه نامتعادل توزیع ثروت و قدرت افتاده‌اند که رهایی از آن مستلزم تغییر رابطه مرکز-پیرامون است. روایت دیاکو، با تحصیلات راهنمایی و ۳۲ سال سن و ۱۳ سال کولبری و کار مرزی، در این مورد گویا می‌باشد:

«... به اندازه دیگران صاحب این مملکت هستیم. سیاسته که ما رو به این شرایط کشونده که گرد عقب افتاده ... چاره‌ای برامون نداشتن. من دوست ندارم ما اینطور باشیم. چون گرد تاریخ کهنی داره. کولبری چند ساله هستش. قبول دارم که اقتصادمون را ویران کردن و وابسته شدیم به مرز و ناچاریم کولبری می‌کنیم.»

بهزاد، ۲۴ ساله با مدرک لیسانس و ۳ سال تجربه کولبری معتقد است که مرزنشینی و سیاست‌های دولت مانع پیشرفت منطقه شده است:

«به خودمان افتخار می‌کنم. از این جهت که زحمت‌کش هستیم. با غیرت هستیم. احساس می‌کنم برنامه‌هایی هست تا جلومونو بگیرند و نگذارن پیشرفت کنیم. شاید به خاطر مرز هم باشه. اینم می‌تونه تحت تأثیر سیاست دولت باشه.»

کیوان، با ۲۱ سال سن و ۴ سال تجربه کولبری معتقد است کولبری محصول اقتصاد وابسته به مرز و دور بودن گردها از گردونه قدرت است. او می‌گوید:

«خیلی‌ها می‌گن اگه این دولت بره و یکی دیگه بیاد مشکل کولبری حل می‌شه. ولی من می‌گم این هم بره کی میاد؟ معلومه مدیریت این کشور دست چه اقوام و مذاهبی خواهد بود؟ مطمئناً دست‌گرد نخواهد بود. ما الان زیر دست هستیم پس کولبری خواهد بود.»

۲-۲. تقسیم فرهنگی کار

کولبری به‌عنوان یکی از شیوه‌های اصلی امرار معاش در نواحی گردنشین، پدیده‌ای سیاسی است و شکلی از تقسیم کار است که از تفاوت و تمایز هویت فرهنگی گروه حاشیه با هویت فرهنگی گروه حاکم نشأت می‌گیرد. کامل، با ۳۷ سال سن و ۳ سال تجربه کولبری، معتقد است که عدم تخصیص نقش‌های اصلی و به‌حاشیه افتادگی سیاسی، علت عقب‌افتادگی گردستان و در نتیجه کولبری اجباری است:

«اینجا گردستان از هر جایی عقب‌افتاده‌تره. چرا باید کولبری کنیم؟ اگه ما رئیس جمهور و نماینده خوب داشته باشیم، چرا باید کولبری کنیم؟ چرا کاسبی دیگه نمی‌ارن؟ کار ما خیلی سخته. ولی باز مجبور میشی انجامش بدی.»

آکو، با تجربه ۳ سال کولبری، ۲۸ سال سن و تحصیلات ابتدایی، ضمن اذعان به محرومیت از نقش‌های اصلی به‌ویژه در میدان سیاست، از گره‌خوردگی گرد با کولبری و عدم کولبری فارس به دلیل بهره‌مندی اشاره می‌کند:

«فقط ما می‌گردیم که کولبری می‌کنیم. الان بین فارسی هست که کولبری کنه؟ عجمی هست که کولبری کنه؟ چون اون کارخانه‌ای چیزی داره. الان این‌ها بدبخت زندگیش فقط کولبری هستش... به دلیل گرد بودن خودمونه که کولبر هستیم. الان یه گرد نمی‌تونه رئیس جمهور بشه. هیچی دیگه (با آه و حسرت). الان من دوست داشتم یه گرد رئیس جمهور بشه. ما ستم‌دیده هستیم. از خیلی چیزها بی‌بهره هستیم. به نظرت فرصت هست در یک پست مسئول بشی؟ مثلاً کارهای بشی؟ دوست دارم کارهای بشم اگه فرصت باشه. مانع هست. چون گرد هستیم اجازه نمیدن کارهای بشیم. الان نمی‌تونن رئیس جمهور بشی. چیزی به گرد نمیده. قدرتی به گرد نمیده.»

در روایت زانیار، ۴۰ ساله با تحصیلات ابتدایی و ۴ سال تجربه کولبری، «گردها» به شکلی صوری ایرانی محسوب می‌شوند و با محرومیت از امکانات، خدمات و حقوق روبرو هستند:

«عجم کولبری نمی‌کنه چون خودش نمی‌زاره. امکانات بیشتری داره. من حقوقم رو ازم منع کردن. حقی ندارم. به همین خاطر. شغلم کولبری بازم بی‌احترامی میشه بهم. دست‌بردار نیست. من خودم رو ایرانی نمیدونم. تا الان دولت خدمتی نکرده بهم. درست‌شناسنامه و کارت ملی دارم

و به نام یه ایرانی شناخته می‌شم ولی هیچی بهم نداده. وقتی میگن ایرانی بیشتر آدم یاد فارس و شیعه می‌فته».

روایت سعدی، با مدرک دیپلم، ۳ سال تجربه کولبری و ۳۰ سال سن، گویای آن است که گُردها با «اختلال شهروندی» روبرو هستند تا جایی که می‌توان آن‌ها را شهروند درجه دو محسوب کرد:

«نمیدونم چی بگم. چطور افتخار کنم وقتی مثل یه شهروند درجه دو نگریسته میشی. مثل بقیه باهات برخورد نمیشه. من شخص متعصبی نیستم. الان سوئیس رو نگاه کن با چهار زبان رسمی کار می‌کنند. مشکلی هم ندارند. از چیزی هم نمی‌ترسند».

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان‌گر آن است که کولبری به‌مثابه شکلی از امرار معاش در نواحی مرزی غرب ایران معلول زمینه‌های ساختاری ویژه است. کولبری نه محصول انتخاب اقتصادی حسابگرانه کولبران و نه نتیجه طبیعی اقتصاد محلی، بلکه پدیده‌ای تحمیلی است. یافته‌های پژوهش به نوعی مؤید نتایج پژوهش سلیمانی و محمدپور (۲۰۱۹) است. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از بر ساخت سیاسی کولبری است و نمی‌توان آن‌را به پدیده‌ای صرفاً اقتصادی تقلیل داد. در عین حال، نمی‌توان از وجوه فرهنگی کولبری غفلت نمود و در روایت مشارکت‌کنندگان، کولبری به‌عنوان شکلی از تقسیم فرهنگی کار تفسیر و توصیف شده است. در افق ذهنی و روایت کولبران، کولبری با گُرد بودن پیوند خورده است و کولبری، پیشه‌ای مختص گُردها شناخته می‌شود که بر آن‌ها تحمیل شده و محصول محرومیت از قدرت و به‌حاشیه‌افتادگی سیاسی است. همچنانکه هشتر اشاره می‌کند: «سلطه مستقیم به‌میانجی تقسیم فرهنگی کار، منابع قدرت را میان گروه‌ها و اجتماعی که به لحاظ شناسه‌های فرهنگی و هویتی متفاوت هستند به طرز نابرابری توزیع می‌کند و درهم آمیختن نابرابری‌های اقتصادی با تمایزات فرهنگی، نشان از تقسیم فرهنگی کار دارد» (هشتر، ۱۹۷۵: ۳۹). بر مبنای شواهد و مصادیق میدانی، مناطق گُردنشین در حاشیه مناسبات قدرت قرار گرفته و سیاست توزیع نقش‌ها، گُردها را به نقش‌های حاشیه‌ای محدود ساخته است و توازن بین تکالیف (انتظار حاکمیت از مردم) و حقوق نقش (انتظار مردم از حاکمیت) در مناطق گُردنشین به هم خورده است و بر پنداشت عمومی، نادیده‌انگاشتی سیاسی و اقتصادی سایه افکنده است.

«نادیده‌انگاشتی سیاسی» بر مفهوم «بحران نمایندگی سیاسی» دلالت دارد. به باور هانا پیتکین^۱، نمایندگی سیاسی، فعالیتی است که به شهروندان امکان این را می‌بخشد تا صداها، باورها و دیدگاه‌هایشان را در خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌های عمومی عرضه و طرح نمایند. بازنمایی (نماینده‌گری) زمانی موضوعیت می‌یابد که کنشگران و بازیگران سیاسی در ساحت سیاسی به نیابت از بقیه اظهار نظر، دفاع، نمادسازی و عمل نمایند (پیتکین، ۱۹۶۷: ۱۶). پنداشت کولبران آن است که خواسته‌ها و مطالبات آن‌ها از جانب بازیگران سیاسی در میدان‌های سیاسی بازنمایی نمی‌شود و در عین حال امکان حضور و مشارکت سیاسی در صحنه تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌عنوان گُرد نمی‌یابد.

اگر یافته‌های مذکور را با شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر مرز که می‌توان آن را «اقتصادی تخریب‌شده» توصیف کرد، در ارتباط قرار دهیم، تصویر کامل‌تری از آنچه در مناطق گُردنشین رخ می‌دهد، بدست خواهیم آورد. مرز، میدانی سیاسی است و به‌گونه‌ای بر ساخت می‌شود که با واقعیت زندگی مرزنشینان انطباقی ندارد و برون‌داد آن نه‌تنها به توسعه این مناطق منتج نشده است بلکه به وابستگی مضاعف به مرز و کولبری ختم شده و وابستگی به مرز به تقویت و تشدید نظم انتظامی انجامیده است. از این منظر، رویه‌ها و سیاست‌هایی که در مرزهای غربی به اجرا گذاشته می‌شود، موقعیت پیرامونی بودن آن‌را استمرار می‌بخشد و در شرایط امنیتی دائمی و وضعیت استثنائی نگه می‌دارد. به‌بیان دیگر، با پیشی جُستن امنیت انتظامی، توسعه این مناطق به محاق رفته است. سطح نازل مرتبه توسعه در مناطق مرزی، اعتبار نظری و تجربی رویکرد «اولویت امنیت و نظم انتظامی^۲ بر توسعه» را با پرسش جدی روبرو ساخته است. از این‌رو، چرخش کلیدی و راهبردی در تئوری توسعه مناطق مرزی باید با تأکید بر مفهوم «امنیت مولد» و عبور از پارادایم امنیت انتظامی صورت پذیرد. گزارش راهبردی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری با موضوع «مسئله‌شناسی راهبردی مسائل توسعه» در استان‌های خوزستان، کردستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی (استان‌های مرزی)، که در سال ۱۳۹۵ منتشر شد، گویای آن است که در رویکرد توسعه‌ای و مدیریتی مناطق مرزی، همواره امنیت نقشی کلیدی بازی کرده و با وجود برقراری امنیت انتظامی در استان‌های مرزی، وضعیت توسعه تغییر کیفی پیدا نکرده است. برخلاف امنیت انتظامی، امنیت مولد ناظر بر اهداف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و کارگزاران اصلی آن

^۱. Hanna Pitkin

^۲. نظم انتظامی (Regulative order)، نظم از بالا به پایین، متکی بر قوانین و ماهیت تجویزی دارد. این رویکرد، برای مقابله با ناامنی و تهدیدات بالقوه، بکارگیری مراقبت بیرونی و توان قوه قهریه را ضروری می‌پندارد. کارگزاران اصلی نظم انتظامی، نهادهای نظامی و انتظامی هستند (قادرزاده و بخشیان، ۱۳۹۸: ۶۱).

ساکنان مناطق مرزی، مراکز علمی و دانشگاهی و کنشگران جامعه مدنی مانند اصناف، گروه‌های انجمنی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی می‌باشند (قادرزاده، ۱۴۰۱: ۳۹).

با وجود اینکه نصف استان‌های ایران در مناطق مرزی قرار دارند اما در برنامه‌های توسعه در خصوص توسعه مناطق مرزی به جز ماده ۲۰۴ از برنامه پنجم توسعه که به موضوع سرمایه‌گذاری و معیشت پایدار مرزنشینان و شهرک‌های صنعتی مرزی پرداخته است، ماده و تبصره دیگری در خصوص توسعه مناطق مرزی وجود ندارد و برمبنای یافته‌های شریف‌پور و همکاران (۱۴۰۲)، در برنامه‌های توسعه به جای دوگانه «مرز و توسعه»، بیشتر دوگانه «مرز و امنیت» مستولی است و نظمی گفتمانی را به وجود آورده‌اند که مانع توسعه مناطق مرزی شده است. برمبنای روایت کولبران، مرز به محل «تقابل» حاکمان و کولبران تبدیل شده است. مرز، فضایی است که کولبران سیاست‌های حاکم را عیناً تجربه می‌کنند. هم‌چنین، اقتصاد مرز، اقتصادی مسئله‌زا و آغشته به رشوه و فساد است و منافع رانت‌خواران غیر بومی در آن تأمین می‌شود و سیاست‌های کلان مرتبط با مدیریت مناطق مرزی، در عمل مرز را نه به‌مثابه فرصتی برای توسعه بلکه به ابزاری برای ممانعت از توسعه این نواحی و تشدید وابستگی به مرکز بدل ساخته است. کولبری محصول این شکل از اقتصاد است.

اگرچه در مطالعات موجود، کولبری به‌مثابه برساخته‌ای اقتصادی و مرتبط با امر توسعه در نظر گرفته شده است، اما روایت کولبران بر پیوند کولبری با تمایز هویتی و فرهنگی حاشیه (گرد-سنی) با مرکز دلالت دارد. بر این اساس، یافته‌های مطالعات اصلانی اسملرز و همکاران (۱۳۹۴)، هدایتی (۱۳۹۶)، حامدی (۱۳۹۶)، ریگی (۱۳۹۶)، خضرپور و همکاران (۱۳۹۷) با رویکرد مقاله حاضر متفاوت است؛ رویکردی که متضمن آشنادایی از درک متعارفِ تقلیل مرز به فضا و مکان جغرافیایی و تعریف مرز و مرزنشین با قاچاق، خطر، ناامنی و تهدید و اعلام وضعیت استثنایی در مناطق مرزی و فروکاستن مرز به یک مسئله اقتصادی و نادیده انگاشتن سویه‌های فرهنگی و سیاسی مرز و کولبری است. برمبنای روایت کولبران، کولبری، نوعی تمهید و سیاست فرودست‌سازی تلقی می‌شود؛ سیاستی که ادغام فرهنگی را طلب می‌نماید؛ بدون آن که ادغام اجتماعی و اقتصادی نقش معینی را در تقسیم ملی کار برای مناطق مرزی مشخص و تعریف نموده باشد.

منابع

- اصلائی اسلمرز، عابد؛ ترانه، کامران؛ سبحانی، پرویز(۱۳۹۴). «بررسی عوامل و زمینه های موثر بر رشد گرایش به قاچاق کالا از منظر مرزنشینان (مطالعه موردی شهرستان بانه)»، *پژوهش نامه مطالعات مرزی*، ۳(۱): ۲۳-۵۵.
- امان پور، سعید؛ فرهمند، قاسم(۱۳۹۳). «ارزیابی مهم ترین عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و سوخت در مناطق مرزی (نمونه موردی: دهستان مرگور)»، *پژوهش نامه مطالعات مرزی*، ۲(۲): ۱-۲۱.
- احمدرش، رشید(۱۳۹۷). «دیالکتیک مرز و توسعه: تحلیل جامعه‌شناختی دشواری‌های توسعه پایدار در مناطق مرزی غرب کشور»، *توسعه محلی*، ۱۰(۲): ۲۶۶-۲۴۵.
- امیرپناهی، محمد(۱۳۹۷). «ساخت اجتماعی بازار؛ تحلیل جامعه‌شناختی پیدایش بازار با تأکید بر بازار بانه در استان کردستان»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۵(۱): ۱۱۵-۸۷.
- افضلی، رسول؛ رنجبری چیچوران، کمال(۱۳۹۹). «پیامدهای سیاسی اجتماعی پدیده کولبری در نواحی مرزی غرب کشور»، *دانش انتظامی خراسان جنوبی*، ۹(۳): ۳۳-۹.
- پوزشی، مهدی؛ غفوری، پژمان؛ رسول‌نیا، علی(۱۳۹۷). «تکوین مفهوم کولبری»، *پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*، تهران.
- توکلی، خالد(۱۳۹۶). «اصلاح قوانین گمرگی و بالابردن کیفیت کالای داخلی راهی به سوی حذف کولبری»، در *خضری، امیرارسلان (۱۳۹۶) پیدا/وپنهان کولبری*، مجموعه مصاحبه‌ها، مقالات و یادداشت‌هایی پیرامون ابعاد حقوقی، اجتماعی و اقتصادی کولبری، بدوکی، چتربازی و تهلنجی، تهران: چراغ اندیشه، ۳۱-۳۵.
- حامدی، محمدعلی(۱۳۹۶). «ریشه‌های پدیدآورنده کولبری و عدم توسعه محلی در مناطق مرزی»، *صص ۲۷-۳۱ در خضری، امیرارسلان، پیدا/ و پنهان کولبری*، مجموعه مصاحبه‌ها، مقالات و یادداشت‌هایی پیرامون ابعاد حقوقی، اجتماعی و اقتصادی کولبری، بدوکی، چتربازی و تهلنجی، تهران: چراغ اندیشه.
- خالدی، کوهسار(۱۳۹۶). «پدیده کوله‌بری در استان‌های کردنشین ایران»، *صص: ۷۰-۸۲ در خضری، امیرارسلان(۱۳۹۶) پیدا/وپنهان کولبری*، مجموعه مصاحبه‌ها، مقالات و یادداشت‌هایی پیرامون ابعاد حقوقی، اجتماعی و اقتصادی کولبری، بدوکی، چتربازی و تهلنجی، تهران: چراغ اندیشه.
- خانی، سعید؛ محمدزاده، حسین(۱۳۹۷). «زمینه‌های تاریخی و اجتماعی شکاف قومی در ایران»، *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۲ (۳)، ۱۴۷-۱۲۵.
- خانزادی، آزاد؛ صادقی‌نسب، شبنم(۱۳۹۶). «رشد اقتصادی در چارچوب آمایش سرزمین: مطالعه موردی استان کردستان»، *اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای: رویکردها و کاربردها*، تهران.

- خضرپور، محمد؛ صمدیان، منیر السادات؛ بیگدلو، رضا (۱۳۹۷). «تحلیل و شناسایی عوامل مؤثر بر برقراری امنیت پایدار در راستای حل معضل کولبری (مورد مطالعه: شهرستان‌های پیرانشهر، سردشت، بانه و مریوان)»، *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، ۶(۲۴): ۳۷-۶۶.
- جلالیان، اسحاق (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء امنیت پایدار مناطق مرزی مطالعه موردی: شهرستان مرزی سردشت»، *پژوهشنامه مطالعات مرزی*، ۷(۴): ۶۱-۸۶.
- جعفریان، محمد حسن؛ احتشامی، علی؛ حسنونند، غلامرضا (۱۳۹۴). «عوامل جغرافیائی مؤثر بر قاچاق مواد مخدر از مرز استان هرمزگان»، *پژوهشنامه مطالعات مرزی*، ۳(۲): ۲۱-۴۳.
- دلپسند، کامل؛ محمدی، پریخان؛ آموسی، مجنون (۱۳۹۷). «بررسی جامعه‌شناختی زیست‌جهان اجتماعی کولبران مرزی»، نخستین همایش ملی جامعه‌شناسی مرز: سیاست‌های توسعه و حیات اجتماعی مرزنشینان، سنندج: دانشگاه کردستان.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ محمدی، آرزو (۱۳۹۹). «درک و فهم پدیده کولبری در شهرستان بانه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۲(۱): ۱۳۵-۱۵۴.
- رحمانی‌پور، علیار؛ مرادی دیزگرانی، میلاد (۱۳۹۴). «تبیین عوامل مؤثر بر گرایش به قاچاق کالا در استان-های مرزی، مطالعه موردی استان کرمانشاه»، *پژوهشنامه مطالعات مرزی*، ۳(۴): ۱۸۰-۱۵۹.
- ریگی، فهیمه (۱۳۹۶). «رویکرد کیفی بر مقوله کولبری و بررسی فاکتورهای زمینه‌ای و مؤثر بر آن»، صص: ۵۵-۶۴ در خضری، امیرارسلان، پیداوپنهان کولبری، مجموعه مصاحبه‌ها، مقالات و یادداشت‌هایی پیرامون ابعاد حقوقی، اجتماعی و اقتصادی کولبری، بدوکی، چتربازی و ته‌لنجی، تهران: چراغ اندیشه، ۵۵-۶۴.
- شریف‌پور، حامد؛ میرزایی، حسین؛ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۴۰۲). «تحلیل جامعه‌شناختی توسعه نامتعادل منطقه‌ای و ذهنیت اجتماعی مردم مناطق مرزی کردستان (با تأکید بر برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب)»، *توسعه محلی*، ۱۵(۱): ۲۵۳-۲۷۱.
- صمدی، سید معروف (۱۳۹۶). «مدیریت تمرکزگرا اصلی‌ترین عامل بروز پدیده کولبری»، صص: ۳۵-۳۹ در خضری، امیرارسلان (۱۳۹۶) پیداوپنهان کولبری، مجموعه مصاحبه‌ها، مقالات و یادداشت‌هایی پیرامون ابعاد حقوقی، اجتماعی و اقتصادی کولبری، بدوکی، چتربازی و ته‌لنجی، تهران: چراغ اندیشه.
- عبده‌زاده، سیروان؛ فتح‌الهی، سعید (۱۳۹۴). «بازارچه‌های مرزی و احساس امنیت اقتصادی-اجتماعی روستائیان مرزنشین (مورد مطالعه: بازارچه‌ها و روستاهای مرزی شهرستان)»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۶(۴۳): ۳۷-۶۶.
- عنبری، موسی؛ عبده‌زاده، سیروان (۱۳۹۷). «برساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران (واکاوی زیست‌جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه)»، *توسعه محلی*، ۱۲(۱): ۱۸۵-۱۵۳.

- غلامی، نبی‌اله (۱۳۹۶). «سازوکارهای پیشگیری وضعی از قاچاق اسلحه در مناطق مرزی (مطالعه موردی مرز شیخ‌صه)»، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۵(۲): ۲۰-۱.
- قادرزاده، امید؛ محمدپور، احمد؛ قادری، امید (۱۳۹۲). «مطالعه کیفی تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر تداوم پدیده قاچاق»، جامعه‌شناسی کاربری، ۲۴(۳): ۱۹۴-۱۷۵.
- قادرزاده، امید؛ محمدزاده، حسین (۱۳۹۷). «مطالعه پیمایشی هویت‌طلبی قومی و سیاسی‌شدن قومیت کردهای ایران»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۱): ۱۹-۴۲.
- قادرزاده، امید؛ بخشیان، روح‌الله (۱۳۹۸). «زمینه‌ها و دلالت‌های نظم اجتماعی؛ مطالعه کیفی کارکنان ناجا»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۸(۱): ۶۱-۸۴.
- قادرزاده، امید (۱۴۰۱). «مشکله همبستگی در جامعه چند قومی ایران: فراترکیب مطالعات موجود»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱۳(۱): ۵-۴۲.
- قادرزاده، هیرش؛ غیاثوند، احمد (۱۴۰۱). «مطالعه کیفی بسترهای تداوم کولبری در منطقه مرزی بانه»، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۱۰(۴): ۶۳-۸۶.
- فرهمند، قاسم؛ امان‌پور، سعید (۱۳۹۲). «ارزیابی مهمترین عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و سوخت و بررسی تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن بر منطقه (نمونه موردی: دهستان مرگور)»، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۱(۱): ۱-۲۲.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). قدرت هویت، ترجمه حسین چاووشیان، تهران: طرح نو.
- کاروانی، عبدالطیف؛ پورمنافی، ابوالفضل؛ ریسی، سمیه (۱۳۹۹). «تحلیل کیفی شرایط و عوامل علی فقر و ناامنی در مناطق مرزی مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان»، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۸(۴): ۷۹-۶۱.
- کلانتری، محسن؛ قزلباش، سمیه؛ موسوی، سید احمد (۱۳۹۶). «تحلیل جغرافیایی قاچاق کالا در استان بوشهر»، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۵(۱): ۱۰۹-۷۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن، قابل دسترسی در سایت مرکز آمار ایران. ملاعباسی، محمد (۱۳۹۴). تصور عصر پست‌توسعه، مجموعه مقالات، تهران: نشر ترجمان.
- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۹۶). «بررسی عوامل شکل‌دهنده پدیده کولبری و بدوکی در کردستان و بلوچستان»، صص: ۱۸-۲۳ در خضری، امیرارسلان، پیداوپنهان کولبری، مجموعه مصاحبه‌ها، مقالات و یادداشت‌هایی پیرامون ابعاد حقوقی، اجتماعی و اقتصادی کولبری، بدوکی، چتربازی و ته‌لنجی، تهران: چراغ اندیشه، ۱۸-۲۳.
- محمودی، محمدامین؛ مرادی، علی (۱۴۰۰). «کولبری، برآیند سیاست‌های معطوف به توسعه‌نیافتگی (مطالعه کیفی کولبران شهر پاوه)»، جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۳(۳): ۲۱-۱.

- میرزایی پور، برومند؛ فتحی، سروش؛ شیر، طهمورث (۱۳۹۹). «بررسی عوامل فرهنگی گرایش به قاچاق کالا در شهرهای مرزی کرمانشاه»، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۸(۲): ۱-۱۴.
- ولی پور، ایمان (۱۴۰۰). رنکینگ اقتصادی استان‌ها. قابل بازیابی در سایت www.forsatnet.ir/u/VlkkWBbT.
- ولیعقلی‌زاده، علی؛ حسین‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۵). «ارزیابی نقش بازارچه‌های مشترک مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرزنشین (مطالعه موردی: بازارچه مرزی سیران بند بانه)»، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۴(۴): ۲۱-۱.
- هدایت، عثمان؛ باسیتی، شهرام (۱۳۹۹). «مرزنشینی، اقتصاد مرزی و آسیب‌های خانواده (مورد مطالعه: شهرهای مرزی بانه و مریوان)»، رفاه اجتماعی، ۲۰(۷): ۱۸۰-۱۴۱.
- هدایتی، سیدهاشم (۱۳۹۶). «شناسایی پتانسیل‌ها و عوامل توسعه‌ای مناطق مرزی راهکاری برای کاهش کولبری»، صص: ۲۳-۲۷ در خضری، امیرارسلان (۱۳۹۶) پیداوپنهان کولبری، مجموعه مصاحبه‌ها، مقالات و یادداشت‌هایی پیرامون ابعاد حقوقی، اجتماعی و اقتصادی کولبری، بدوکی، چتربازی و تهنجی، تهران: چراغ اندیشه.
- Calvert, P. (2001). "Internal colonisation, development and environment". *Third World Quarterly*, 22 (1): 51- 63.
- Chávez, J. R. (2011). "Aliens in Their Native Lands: The Persistence of Internal Colonial Theory". *Journal of World History*, 22 (4): 785-809.
- Gunter, M. (2017). *Routledge Handbook on the Kurds*. London: Routledge.
- Gutiérrez, R. (2004). "Internal Colonialism: An American Theory of Race". *Du Bois Review: Social Science Research on Race*. 1(2): 281-295.
- Hechter, M. (1975). *Internal Colonialism: The Celtic Fringe in British Nional Development, 1536-1966*. London and Henley : Routledge & Kegan Paul.
- Hechter, M., Kuyucu, T., & Sacks, A. (2006). "Nationalism and direct rule". Pp. 84-93 in *Handbook of Nations and Nationalism, edited by Gerard Delanty, and Krishan Kumar*.
- Hechter, M. (2021). "Internal colonialism, Alien rule, and Famine in Ireland and Ukraine". *East/West*, 8(1): 145-157.
- Hernandez, J. M. (2003). *Internal colonialism, social disorganization, and persistent poverty*. Retrospective Theses and Dissertations.
- Pinderhughes, C. (2011). "Toward a New Theory of Internal Colonialism". *Socialism and Democracy*. 25(1): 235-256.
- Pitkin, H. (1967). *The Concept of Representation*. Los Angeles: University of Pres.
- Soleimani, K., Mohammadpour, A. (2019). "The securitization of life: Eastern Kurdistan under the rule of a Perso-Shi'i state". *Third World Quarterly*, 41(1): 663-682.
- Thuv, T. (2023). Qualitative method, Narrative analysis. <https://www.researchgate.net/publication/370444682>
- Wolpe, H. (1975). "The theory of internal colonization: the South African case". *Collected Seminar Papers. Institute of Commonwealth Studies*, 18 : 105-120.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی